@aminnewspaper amine.mardom@yahoo.com www.aminnews.ir مرامنامه اخلاقی روزنامه نگاران روزنامه امین در سایت روزنامه

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی(ره) - کلانترکوچه - کوچه ششم پلاک ۶۱ - طبقه اول
تلفن: ۳۳۳۵۲۷۷۴ (۰۴۱) و ۳۳۳۵۲۷۷۹ (۰۴۱)

تلفکس: ۳۳۳۵۲۷۵۱ (۰۴۱)
آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر روبروی ساختمان پست - پلاک ۸۵۱ طبقه سوم - واحد ۶
تلفن: ۶۶۴۹۴۳۱۸ (۰۲۱) و ۶۶۴۹۴۳۹۱ (۰۲۱)
چاپ: چاپ سبز

چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۵ / ۸ جمادی الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 18 November ۲۰۲۶ / شماره ۷۳۵۵ / سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

اشتباه عجیب مدیران تراکتور در پرونده بیرانوند؛

چرا قرارداد گلر شماره یک تیم ملی تمدید نشد؟



علی‌رغم اینکه باشگاه تراکتور اعلام کرده بود که قرارداد علیرضا بیرانوند با این باشگاه تمدید شده است اما با اشتباه عجیب مدیران این تیم تبریزی، قرارداد وی فاقد اعتبار است.

حواشی دیدار استقلال و تراکتور تبریز سبب دلخوری هواداران تراکتور از علیرضا بیرانوند سنگربان ملی‌پوش این تیم شد؛ با این حال بیرانوند با انتشار ویدیویی ضمن عذرخواهی از آنها، قرارداد خود با این تیم را به مدت ۳ فصل دیگر تمدید کرد.

این در شرایطی است که بعد از گذشت یک ماه از خبر تمدید قرارداد بیرانوند با پرشورها، از تبریز خبر رسیده که قرارداد این دروازه‌بان به امضا حجت کریمی مدیرعامل سابق تراکتور نرسیده و حالا با جدایی او، پرشورها برای تمدید قرارداد بیرانوند باید بار دیگر با این دروازه‌بان وارد مذاکره شوند.

پیگیری‌های خبرنگاران از تبریز از این موضوع حکایت دارد که حجت کریمی از همان روزهای ابتدایی رونمایی از تمدید قرارداد بیرانوند با تراکتور، خواستار امضا این قرارداد شده اما هر بار این اتفاق به تاخیر افتاده است.

کریمی در گفت‌وگویی که با بیرانوند داشته به او اعلام می‌کند که برای این دروازه‌بان بلیط تهیه کرده تا برای امضا قرارداد راهی تبریز شود؛ بیرانوند جمعه راهی تبریز می‌شود تا صبح شنبه با حضور در دفتر باشگاه تراکتور قرارداد خود را امضا کند. بیرانوند هنگامی که به باشگاه مراجعه می‌کنند به او گفته می‌شود که قرارداد در تبریز نیست و باید برای امضا قرارداد راهی تهران شود؛ همین موضوع سبب دلخوری بیرانوند شده و اعلام می‌کند اگر باشگاه خواستار تمدید قرارداد او است چرا بیش از یک ماه است قرارداد وی امضا نشده و اگر این قرارداد در تهران است، چرا او را راهی تبریز کرده‌اند.

همین تناقض‌ها سبب می‌شود کریمی نسبت به برخی از اقدامات مدیران باشگاه تراکتور واکنش نشان دهد و در نتیجه شنبه شب در اعتراض به این موضوع از سمت خود استعفا دهد تا در نهایت سعید مظفری‌زاده بار دیگر مدیرعامل تراکتور شود.

ذکر روز چهارشنبه

«یا حَیُّ یا قَیّومُ»
ای زنده و ای پاینده

رخدادهای تاریخی امروز

- درگذشت «مازیل پروست» نویسنده و رمان نویس معروف فرانسوی (۱۹۲۲م)
- تولد «لویی ژاک داگر» مبتکر فن عکاسی (۱۷۸۹م) (ر.ک: ۲ ژوئیه)
- انعقاد قرارداد استعماری حفر کانال «پاناما» بین امریکا و پاناما (۱۹۰۳م)
- مرگ «پل الوار» شاعر نامدار فرانسوی در قرن بیستم (۱۹۵۲م)
- مرگ «فرانسوا لاروش‌فوکو» نویسنده و فیلسوف برجسته فرانسوی (۱۶۸۰م)

استفتائات رهبری

آیا مبلغ دریافتی از بیمه (پس از اینکه هزینه درمان را خود پرداخت کردیم)، خمس دارد؟

اگر مبلغ پرداختی بابت درمان از حقوق و درآمد بین سال بوده است و بیمه پس از گذشت سال خمسی به شما برگرداند، باید به مجرد دریافت از بیمه، خمس آن پرداخت شود.

حدیث روز

امام حسن علیه السلام

چون که این آیه: «خاندانت را به نماز فرمان بده و بر آن، بردباری کن» نازل شد، جد من هر روز هنگام دمیدن سپیده نزد ما می‌آمد و می‌فرمود: «رحمت خدا بر شما باد! گاه نماز است. «خداوند، خواسته است پلیدی را تنها از شما اهل بیت علیهم التلام بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند».

داستان دنباله دار

ساغر قسمت ۵۰ سعیده پیرایش

... ساغر که از این واکنش یخزده سخت نگران شده بود، رشته‌ی کلام را به دست گرفت و با دستپاچگی شروع به توجیه کرد: حالا دیگه تو تنها نیستی... اگر پسر باشه، می‌تونین با همدیگه فوتبال بازی کنین و اگر دختر باشه...

لحظه‌ای مکث کرد، به فکر فرو رفت و ادامه داد: نمی‌دونم چه بازی‌ای می‌تونین با هم بکنین، ولی خواهرها همیشه عاشق برادرهاشون هستن! هر کاری تو بگی انجام می‌ده و دلش می‌خواد همیشه با تو وقت بگذرونه...

ساغر همین‌طور تندتند و بی‌معنی حرف می‌زد، اما محمد بدون کوچک‌ترین واکنشی، شیرینی را روی میز گذاشت و راهی اتاقش شد. کمی وسط اتاق ایستاد، نگاهی به دور و برش انداخت، بعد پشت میزش نشست و با دقتی ماشین‌وار شروع به نوشتن تکالیفش کرد و تا شب حتی یک کلمه هم با کسی حرف نزد.

ساغر تمام روز حواسش به محمد بود. چند بار برایش میوه و خوردنی برد و در حالی که دست‌هایش را به هم می‌مالید، گفت: بخور عزیزم...

اما محمد حتی نگاهی هم به آن‌ها نمی‌انداخت.

ساغر چند بار هم گوشه‌ی آشپزخانه گریه کرد. مستأصل مانده بود و نمی‌دانست چه‌کار کند.

کمال هم از واکنش محمد سردرگم شده بود. هیچ‌کدامشان فکر نمی‌کردند این خبر تا این اندازه شوکه‌اش کند. خودش را با کارهای مختلف سرگرم می‌کرد، اما حواسش جای دیگری بود؛ آچار و انبردست را برمی‌داشت و دوباره سر جایشان می‌گذاشت، بی‌آن‌که بداند واقعاً دنبال چه می‌گردد.

شب برای شام، ساغر پیتزا درست کرده بود. وقتی محمد را دعوت کرد، پسرک با رنگ‌ورویی مثل گچ نگاهش کرد؛ نگاهی چنان سرد و یخی که لرزه بر تن ساغر انداخت. محمد کوتاه گفت: میل ندارم. بلند شد، رفت مسواک زد. کاری که همیشه انجام دادنش هزار تا جروبحث داشت و بعد به اتاقش برگشت و پتو را تا روی سرش بالا کشید.

ساغر و کمال، کنار سفره‌ی پهن‌شده، مات و مبهوت مانده بودند. پیتزا چیزی نبود که محمد بتواند به آن دست رد بزند. چند دقیقه‌ای در سکوت سنگین خانه گذشت، تا این‌که صدای اولین هق‌هق بغض‌آلود محمد از زیر پتو بلند شد.

ساغر دیگر نتوانست خودش را نگه دارد و زد زیر گریه. بلند شد، به سمت محمد دوید و او را در آغوش گرفت. اما نتوانست چیزی بگوید. چند دقیقه همان‌طور با هم گریه کردند.

کمال هم دم در آمده بود و کلافه نگاهشان می‌کرد.

بعد از چند دقیقه، وقتی همه کمی به خودشان مسلط شدند، ساغر آرام پرسید: دوستش نداری؟

محمد مظلومانه نگاهش کرد. سرش را به علامت تأیید تکان داد و گفت: چرا...

مادر او را به سینه فشرد و گفت: پس چرا این‌طوری می‌کنی؟

ادامه دارد